

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

سجاد باغبان ماهر<sup>۱</sup>

محبوبه بیکی<sup>۲</sup>

## صورت‌بندی نقد هنرهای تجسمی در نشریات دهه ۱۳۹۰ ش. در ایران

### چکیده

برای نقد هنری تعاریف متعددی ارائه شده است، اما در نگاهی کلی، بسیاری از پژوهشگران، همه انواع نوشته‌های انتقادی و پژوهشی، شامل متون تئوریک، مقالات، یادداشت‌ها و مرور نمایشگاه‌های هنرهای تجسمی را که به مطالعه و تفسیر آثار هنری و ارزیابی آن‌ها می‌پردازد، تحت عنوان نقد هنری یا نقد تجسمی در نظر می‌گیرند. پژوهش حاضر بر اساس چنین تعریفی از نقد، به صورت‌بندی نقد هنرهای تجسمی در مطبوعات ایران در دهه ۱۳۹۰ ش. پرداخته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد، چهار رسانه متفاوت برای انتشار نقدها وجود دارد که شامل نشریات دانشگاهی، نشریات تخصصی، مطبوعات و فضای مجازی (و شبکه‌های اجتماعی) است. هدف اصلی پژوهش حاضر، یافتن مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های نقد تجسمی در هریک از چهار محمل فوق و مقایسه آن‌ها است. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که متون منتشرشده در رسانه‌های مذکور در دوره مورد مطالعه بر اساس ساختار، فرم، لحن و رویکردهای محتوایی، چگونه صورت‌بندی می‌شود. برای دستیابی به سؤال و هدف مزبور از ابزار کدگذاری ساختاری به‌مثابه روشی برای مقوله‌بندی و تحلیل داده‌های کیفی استفاده شده است. جامعه آماری و انتخاب نمونه‌ها نیز به شیوه نمونه‌گیری هدفمند از میان نشریات دانشگاهی هنر، نشریات تخصصی تجسمی، نشریات عمومی و فضای مجازی یا شبکه‌های اجتماعی آنلاین گردآوری شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش می‌توان گفت هریک از چهار رسانه محل انتشار نقدهای تجسمی، رابطه معناداری با لحن، ساختار و رویکرد محتوایی متون منتشرشده در این رسانه‌ها دارد.

**کلیدواژه‌ها:** نقد هنرهای تجسمی، تفسیر و ارزیابی اثر هنری، دهه ۱۳۹۰ ش. ایران، کدگذاری ساختاری

۱. استادیار گروه موزه و گردشگری، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

## مقدمه

در هنر معاصر ایران، در بیشتر اوقات نقدهای مهم و تأثیرگذار به‌عنوان یکی از عوامل شکل‌دهی به جریان‌های پایدار هنری، نقش ایفا کرده است. اساساً هنر مدرن از طریق فعالیت‌های نمایشگاهی و تولید متون نقادانه به جامعه ایرانی معرفی شده و قوام پیدا کرده است. به‌عنوان مثال، جریان سقاخانه آشکارا با کمک نقدها و نوشته‌های منتقدان و روزنامه‌نگارانی چون کریم امامی در فضای هنری مطرح و ماندگار شد (بابایی، ۱۳۹۵: ۱۸). تعمق و تحقیق در متون نظری و نوشته‌های پژوهشی درباره هنرهای تجسمی معاصر ایران، وجود گونه‌های متفاوتی از نقد را با ویژگی‌ها و خصوصیات متمایزی آشکار می‌کند. هر گروه از این نوشته‌ها می‌تواند بر اساس خاستگاه مؤلفین، محل انتشار نقد و جامعه مخاطب، صورت‌بندی شود. مهم‌ترین اهداف نقد هنری دستیابی به مبنای عقلانی برای درک هنر، بحث درباره آثار هنری، تفسیر آن‌ها و گاه ارزیابی ویژگی‌های زیبایی‌شناختی آن‌ها است (الکینز، ۱۳۹۸: ۱۳). گروه نسبتاً وسیعی از نوشته‌های مربوط به هنرهای تجسمی، شامل متون تئوریک، مقالات، یادداشت‌ها و مرور نمایشگاه‌ها را می‌توان در چهارچوب نقد تجسمی در نظر گرفت و به‌مثابه متون نقادانه حوزه تجسمی پذیرفت. پژوهش حاضر بر اساس چنین تعریفی از نقد هنری به صورت‌بندی متون «نقد هنرهای تجسمی در مطبوعات فارسی» پرداخته است. هدف اصلی پژوهش حاضر، یافتن مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های نقدهای تجسمی و دسته‌بندی آن‌ها بر اساس این ویژگی‌ها است. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان بر اساس ساختار، فرم، لحن و سایر ویژگی‌های زبانی، نوشتارهای نقادانه در زمینه هنرهای تجسمی را تفکیک و صورت‌بندی نمود. سؤال دیگر این پژوهش، بررسی نسبت میان رسانه (محل نشر) و نحوه ارائه نقدهای تجسمی با ویژگی‌های ساختاری این نقدها است.

## پیشینه پژوهش

ازجمله پژوهش‌های پر استناد در حوزه نقد تجسمی در ایران، کتاب هنر نقد هنری است که در آن انواع نقدهای علمی در عرصه هنرهای تجسمی معرفی و دورنمای کلی از وضعیت نقد تجسمی ارائه و انواع نقد را بر اساس روش و نظریه به ۱۰ گروه دسته‌بندی و تشریح شده است. همچنین در کتاب شیوه‌های مختلف نقد هنری، فهرستی از انواع نقد هنری ارائه شده که عمده آن‌ها خاستگاه ادبی دارند، ولی در زمینه شناخت، تفسیر و ارزیابی هنرهای تجسمی مورد بهره‌برداری منتقدان هنری قرار می‌گیرد. هر دو پژوهش مورد اشاره، به صورت‌بندی کلی انواع نقد بر اساس نظریه و روش پرداخته‌اند، اما توجهی به محل انتشار این متون - نشریات دانشگاه، تخصصی یا عمومی - نداشته‌اند و نیز هیچ‌گونه تحلیل محتوایی و بررسی ساختاری درباره نقدهای منتشرشده در نشریات ایران انجام نداده‌اند. باغبان در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر جغرافیای نقد تجسمی در ایران»، جریان نقادی در حوزه هنرهای تجسمی را بر اساس محل نشر به ۴ دسته تقسیم کرده است. ۱. نقد دانشگاهی و علمی هنرهای تجسمی،

۲. نقد تخصصی هنرهای تجسمی، ۳. نقد ژورنالیستی هنر و ۴. نقد در فضای مجازی. دارابی در رساله دکتری خود تحت عنوان «رویکردها و الگوها در نقد هنر بصری» شماری از رایج‌ترین و نیرومندترین رویکردهای نقد هنری برگزیده شده، ذیل چهار پارادایم متن‌مدار، بافتارمدار، مؤلف‌مدار و مخاطب‌مدار سازمان‌یافته‌اند؛ شماری از الگوهای آموزش نقد و منطق حاکم بر هر یک از آن‌ها را ذیل دسته پارادایم‌های تحلیلی، بافتداری و پدیدارشناسانه دسته‌بندی کرده است. علاوه بر این او در مقاله‌ای تحت عنوان «معرفی الگوهایی برای آموزش دانشگاهی نقد هنر تجسمی» چهار نمونه از الگوهای منسجم و روشمند را بررسی کرده است که دانشجویان بر اساس آن واکنش خود به اثر هنری را نظریه‌پردازی کنند و منسجم‌تر و مستدل‌تر درباره آن سخن بگویند و بر همین اساس جرقه تخیل و ارتقای مهارت‌های اندیشه انتقادی فراهم گردد. علاوه بر پژوهش‌های فوق، رستمی در پایان‌نامه‌اش، چگونگی پیوند گفت‌وگومندی و نقد هنرهای تجسمی امروز ایران را مورد بررسی قرار داده و از مفهوم گفت‌وگومندی به سمت نقد هنری پیش رفته و مروری بر محتوای نقد در نشریات تخصصی هنرهای تجسمی (هنر فردا، گلستانه، حرفه-هنرمند و تندیس) داشته است و نقدهای منتشرشده در دهه ۱۳۸۰ ش. را با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار داده و به ظرفیت گفت‌وگومندی در برابر جریان‌ها و آرای متقابل اشاره کرده و نشان داده که نشریات تخصصی هنرهای تجسمی در دهه ۸۰ ش. در ساختار نقدهای هنری و در سیاست‌های کلی خود به گفت‌وگومندی، اهمیت چندانی نداده‌اند. بابائی‌فلاح نیز با رویکردی توصیفی-تحلیلی و باهدف شناختی عمیق و دقیق، به تحلیل جایگاه و آسیب‌شناسی کیفی و محتوایی نقدهای تجسمی و تأثیر آن بر فضای هنری کشور پرداخته است. پژوهش مذکور در پی پاسخ دادن به این سؤال است که وضعیت نقدهای مکتوب پیرامون نمایشگاه‌های هنرهای تجسمی در نشریات تخصصی و نیمه‌تخصصی تا چه حد با معیارها و قاعده‌های رایج در حوزه نقدنویسی همخوانی داشته است؟ پژوهش مذکور به این نتیجه دست‌یافته که کمبود نشریات تخصصی، دستمزد ناکافی، نداشتن رسالت مشخص و کاهش اهمیت نمایشگاه‌های هنری، از مهم‌ترین عواملی است که موجب نادیده‌گرفتن نقد هنرهای تجسمی و کاهش جایگاه و اعتبار منتقد صاحب‌نظر و صاحب سبک شده است.

### روش پژوهش

برای دستیابی به این اهداف، پژوهش مؤلفین مقاله حاضر، مجموع متون نقادانه تولیدشده درباره هنرهای تجسمی معاصر ایران را بر اساس رسانه و محل عرضه، به چهار دسته -نقد در مجلات دانشگاهی، نقد در نشریات تخصصی، نقد در مطبوعات و نقد در رسانه‌های غیررسمی (فضای مجازی)- طبقه‌بندی نموده و با روش نمونه‌گیری هدفمند، تعدادی نمونه مطالعاتی از هر یک از این گروه‌های چهارگانه را انتخاب و با استفاده از ابزار کدگذاری ساختاری اقدام به تحلیل محتوایی این متون نمودند. کدگذاری ساختاری<sup>۱</sup> یا سودمندگرایانه<sup>۲</sup> زیرمجموعه روش کدگذاری مؤلفه‌ای است. این روش، مانند ابزاری

1. Structural coding
2. Utilitarian coding

برای برچسب زدن و فهرست کردن عمل می‌کند و به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا پیکره داده‌ها را مقوله‌بندی نماید (سالدنا، ۱۳۹۵: ۱۳۲). در این مقاله از کدگذاری ساختاری به‌مثابه روشی برای مقوله‌بندی و تحلیل داده‌های کیفی استفاده شده است، بدین ترتیب که پس از شمارش فراوانی کدها در جداول مربوط به هر دسته‌بندی و مشخص کردن نمودارهای توصیفگر، اقدام به تحلیل مضمونی و توصیفی مؤلفه‌ها نموده‌ایم. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر تلاش شده است تا ویژگی‌های ساختاری و محتوایی هر یک از دسته‌بندی‌ها به‌صورت مشخص نمود پیدا کند، انتخاب موضوع را به دلیل فراوانی انواع نقدها که در رسانه‌های مختلف برای مخاطبان خاص ارائه می‌شود به یک موضوع خاص محدود کرده تا ویژگی‌های ساختاری و محتوایی متن‌ها به‌خوبی قابل‌مقایسه باشد. در انتخاب نمونه‌ها جامعه آماری متونی انتخاب شد که از جهت موضوعی، مشابهت داشته باشند، از این‌رو، موضوع تمام نوشته‌های تحلیل‌شده، مربوط به جریان‌شناسی نقاشی نوگرای ایران و هنرمندان شاخص معاصر، همچون بهمن محمص، پرویز کلانتری و کوروش شیشه‌گران، است. بر اساس دسته‌بندی انواع نقدها در مقاله حاضر اولین دسته‌بندی نقد دانشگاهی هنرهای تجسمی است که آثار نقادانه‌اش غالباً در مجلات علمی پژوهشی و نشریات دانشگاهی منتشر می‌شود. نمونه‌های منتخب برای این تحلیل از نشریه علمی مطالعات تطبیقی هنر، نشریه علمی باغ‌نظر و فصلنامه علمی پژوهشی کیمیای هنر اتخاذ شده است. دومین دسته‌بندی ارائه‌شده، نقد تخصصی هنرهای تجسمی است. با توجه به اینکه نمونه‌های منتخب از لحاظ مضمونی مشابهت داشته باشند نقدهایی از دوهفته‌نامه هنرهای تجسمی تندیس و فصلنامه هنرهای تصویری حرفه هنرمند مورد استفاده قرار گرفته است. نقد مطبوعاتی هنرهای تجسمی سومین دسته‌بندی انواع نقد در این مقاله است و نمونه‌های منتخب از روزنامه‌های شرق و روزنامه اعتماد انتخاب شده است. نمونه نقدهای منتخب در فضای مجازی هنرهای تجسمی از مجله هنرهای تجسمی آوام، خبرگزاری هنر آنلاین، وبسایت متن و تصویر (واکنشی کلامی به آثار بصری) و صفحه اینستاگرام هنرمندان ایرانی برگزیده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل ۲۵ نقد می‌باشد که از نشریات و رسانه‌های ذکرشده به لحاظ مشابهت مضمون و موضوع انتخاب شده است. با بررسی بیش از ۵ مورد نقد وجه اشتراک و تفاوت‌ها آشکار گردیده است. در جدول زیر جامعه آماری و مقالات منتخب به تشریح آورده شده است.

جدول ۱: جامعه آماری و اطلاعات و منابع مورد استفاده در تحقیق

ردیف	عنوان مقالات	نام نویسنده	محل انتشار
۱	تحلیل بازنمایی ساحل در اشعار نیما یوشیج و مقایسه آن با آثار بهمن محمص	زینب صابر- نادر شایگان فر	نشریه علمی پژوهشی مطالعات تطبیقی هنر
۲	خوانش پسامدرنی آثار هنری بر اساس آرای فردریک جیمسون با تمرکز بر مجموعه «هیچ» پرویز تناولی	زهرا رهبرنیا-مریم کشمیری	نشریه علمی پژوهشی کیمیای هنر
۳	جستاری در شکل‌شناسی اثر هنری و دریافت و معنا	علیرضا نوروزی‌طلب	نشریه علمی باغ نظر
۴	بررسی تأثیر پیدایش نفت بر نقاشان نوگرایی ایران (۱۳۱۹-۱۳۵۹)	احمد روان جو- محمد صمدی‌راد	نشریه میانی نظری هنرهای تجسمی
۵	مکتب سقاخانه: نگاهی پسااستعماری یا شرق‌شناسانه؟	رائیکا خورشیدیان- حیدر زاهدی	نشریه علمی باغ نظر
۶	یک نام و سه خیال- برای پرویز کلانتری	محمدحسن حامدی	مجله تندیس
۷	بهمن محمص در موج‌خیز سیاه تاریخ	مراد منتظمی-ترجمه مرجان تاج	مجله حرفه هنرمند
۸	محصص هنرمند تکرو	رویین پاکباز	مجله حرفه هنرمند
۹	باور مشترک	حسین ماهر	مجله تندیس
۱۰	وهم سبز آب دریاها	بهرام دبیری	مجله تندیس
۱۱	محصص و دوران معاصر	علی دهباشی	مجله تندیس
۱۲	همیشه جدی و بسیار تنها	آیدین آغداشلو	روزنامه شرق
۱۳	پزشک نیا آموزگار بی شاگرد	حسین گنجی	روزنامه شرق
۱۴	برای پرویزی که خواهد بود	ناصر فکوهی	روزنامه شرق
۱۵	غافل نبوده‌ام از زمانه خود	پرویز براتی	روزنامه شرق
۱۶	بهمن محمص- دریایی بی‌انتهاست که پایان ندارد	احمدرضا احمدی	روزنامه شرق
۱۷	معیارهایی برای یک زندگی هنرمندانه در جغرافیای معاصر	-	روزنامه اعتماد
۱۸	پرویز تناولی در میان دوجهان	جاوید رضانی	مجله خبری، تحلیلی و پژوهشی هنرهای تجسمی آوام
۱۹	بهمن محمص که بود	شهرزاد نظری	مجله آراد مگ
۲۰	هوشنگ پزشک نیا- نقاش چهره‌ها و اقلیم مردم	-	مجله خبری، تحلیلی و پژوهشی هنرهای تجسمی آوام
۲۱	پزشک نیا آغازکننده نقاشی خط/هنرمندی که شبیه مودلیانی بود	جواد مجابی- پرویز کلانتری	هنر آنلاین
۲۲	منوچهر یکتایی هنرمندی که صادقانه ایرانی بود	-	مجله خبری، تحلیلی و پژوهشی هنرهای تجسمی آوام
۲۳	بهمن محمص	باوند بهپور	وبسایت متن و تصویر- (واکنش کلامی به آثار بصری)
۲۴	بهمن محمص	باوند بهپور	وبسایت متن و تصویر- (واکنش کلامی به آثار بصری)
۲۵	بهمن محمص	-	صفحه اینستاگرام Iranian_artist_art Circle_magazine

## مؤلفه‌های نقد هنرهای تجسمی

هرگونه نوشتار تحلیلی، نظری یا انتقادی درباره هنرهای تجسمی می‌تواند بر اساس دو مؤلفه کلیدی یعنی ویژگی‌های ساختاری و ویژگی‌های محتوایی دسته‌بندی شود. ویژگی‌های ساختاری شامل نوع نوشتار (مقاله، یادداشت، گزاره) روشمند و نظریه محور بودن نقدها، تعداد مؤلفین و رعایت اصول پژوهش است که در مقاله حاضر به‌عنوان یک مؤلفه برای صورت‌بندی نقد هنرهای تجسمی موردتوجه قرار گرفته است که با عنوان مقوله‌بندی کدها بر اساس لحن منتقد تجزیه و تحلیل شده است، اما ویژگی‌های محتوایی که به‌عنوان رویکرد اولیه برای دسته‌بندی کدها و مقوله‌ها در نظر گرفته شده است شامل سه رویکرد کلی زیر است: ۱. نقد مبتنی بر تحلیل متنی و فرامنتی آثار هنری، ۲. نقد مبتنی بر هنرمند و آفریننده اثر هنری و ۳. نقد مبتنی بر نظریه و روش. تمرکز اصلی این مقاله، تحلیل ویژگی‌های ساختاری، فرمی و محتوایی نقدها بوده است که شامل مواردی چون لحن نوشتار، خنثی یا جانب‌دارانه بودن متن، میزان توجه به فرم هنری یا زندگی‌نامه هنرمند یا محیط اجتماعی او برای ارزیابی هنری می‌شود. موارد مذکور از طریق کدگذاری انجام شده بر روی همه نمونه‌ها، به‌دست آمده و در جدول شماره ۲، ارائه شده است. در این جدول برای هر یک از کدها توصیفی فشرده و مصداق و نمونه مشخص از متن‌های تحلیل‌شده ارائه شده است تا میان مؤلفان مقاله و خواننده برداشت یکسانی از مفاهیم و کدها به وجود بیاید.

جدول ۲: مقوله‌بندی کدها و نمونه‌های مصداقی آنها

ردیف	توصیف فشرده (نام کد)	نمونه‌های مصداقی
۱	بسترهای اجتماعی و تاریخی	محصص جوانی را در یکی از معبرهای دشوار تاریخ معاصر ما گذرانده بود، معبر روزهای ملی شدن نفت (احمدی، ۱۳۹۰).
۲	اشاره به موضوع آثار	موضوع این چاپ واقعه عاشورا است و یکی از آثار مجموعه‌ای است که زنده رودی در آن سال‌ها با عنوان نخستین اثر این مکتب یاد می‌کند. وی در هنرش به مفاهیم مذهبی با تأکید بیشتری بر عناصر اسلامی توجه ویژه‌ای داشت (روزنامه اعتماد، ۱۳۹۵).
۳	توجه به سبک هنری	خود او دوره‌های مختلف و به‌ظاهر متناقض کارش را با عنوان‌های رئالیسم-اکسپرسیونیسم، آبستره سورئال، فیگوراتیسم استیلیزه می‌نامد. (پاکباز، ۱۳۹۴: ۸۹)
۴	توصیف اثر هنری	مجسمه بندباز او مجسمه عظیمی بود از برنز که راه رفتن مردی را روی یک بند باریک نشان می‌داد (آغداشلو، ۱۳۹۰: ۲۰).
۵	تکنیک و فرم	او فرم‌های سه‌بعدی را از طریق رنگ‌گذاری و ضربه قلم منحصر به خود وارد بوم‌هایش می‌کند (براتی، ۱۳۹۱: ۹).
۶	سرنوشت و فیزیک آثار	مجسمه‌ای از او جلوی تئاتر شهر نصب شد و چند مجسمه دیگر. خب با این مجسمه‌ها چندان رفتار خوبی نشد و مجسمه‌های او مهجور ماندند (آغداشلو، ۱۳۸۹: ۲۰).
۷	شان و جایگاه اجتماعی هنرمند	همین توجه و تأکید اوست که او را امروز به آموزگاری در هنر مدرن تبدیل کرده است (گنجی، ۱۳۹۹: ۶).

۸	نقد مبتنی بر نظریه و روش	آرای جیمسون، [...] برای تحلیل و تفسیر «هیچ» به کار خواهد آمد و در بخش پایانی نیز «هیچ» را از زاویه نگاه جیمسون باز خواهیم خواند (رهبرنیا و کشمیری، ۱۳۹۶).
۹	نقد ویژگی‌های شخصیتی هنرمند	مححص نظراره‌گر مغرور و معترض است که همیشه از نظاره‌گری رها می‌شود و به متن زندگی می‌آید (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۲۷).
۱۰	فعالیت‌های جانبی هنرمند	تاکش را بر مدیوم نقاشی قرار داده و جز تجربه‌هایی در چاپ یا ارائه چند اثر سرامیکی و یکی دو پرفورمنس مشخص، به سمت تجربه شکل‌های امروزی‌تر رایج در هنر نرفته است (اعتماد، ۱۳۹۵).
۱۱	تأثیرگذاری بر و تأثیرپذیری از هنرمندان دیگر	هرچند تأثیر او را در برخی از کارهای نقاشان معاصر دیده‌ایم. از کارهای قدیمی‌تر پروانه اعتمادی تا کارهای بهمن دادخواه و چند تن دیگر (آغداشلو، ۱۳۸۹: ۲۰).
۱۲	نقد مبتنی بر زندگی شخصی هنرمند	مححص از خانواده متمولی بود. اصالت او به لاهیجان برمی‌گردد. خاندان مححص شامل ۱۵ خانوار از مالکین لاهیجان بودند که در تجارت چای و ابریشم دستی داشتند (محمدی، ۱۳۹۸).
۱۳	اشاره به استادان و شاگردان	در هنرکده استانبول ثبت‌نام کرد و زیر نظر پروفیسور لئوپولدلوی تحصیلات خود را در رشته نقاشی آغاز کرد (مجله هنرهای تجسمی آوام).
۱۴	عبارات تمجید آمیز	جهان مححص خاص خود او بود که برای این نحوه و جهان بینی او نمی‌توان نظیری در نظر گرفت (آغداشلو، ۱۳۹۰: ۲۰).
۱۵	عبارات دوستانه و صمیمی	این هم شاید دست تقدیر و بی‌رحمی زندگی بود که پرویز این‌گونه جمع دوستانش را ترک کرد (فکوهی، ۱۳۹۵).
۱۶	عبارات شاعرانه و ادبی	اما هنگامی‌که از خواب دوباره برمی‌خیزیم آوازه‌های همیشه آبی او را در کنار دریا می‌شنویم که پرندهای در سپیده‌دم، همسایه‌ی دریاست (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۲۷).
۱۷	استفاده از نقل‌قول دیگران	شاید به قول نجف دریابندری کسی را مستقیم نتوانیم شاگرد یا تأثیر گرفته از پزشک نیا در آن زمان یا بعداز آن معرفی کنیم (گنجی، ۱۳۹۹: ۳۷۷۶).
۱۸	عبارات اغراق آمیز	هوشنگ پزشک نیا با همان کارنامه باریکش، همچون چهره‌هایی که از مردان این سرزمین کشید همچنان شاقول بی‌نظیر و سنگ محک تکرارناشدنی است (همان: ۳۷۷۶).
۱۹	واژه‌ها و عبارات غامض	این پرندگان پایان جهان را در استغاثه و فریاد مححص خلاصه می‌کنند اما نفی نمی‌کنند. (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۲۷).
۲۰	عبارات کنایی	جامعه ما هرچند حضور دائمی او را لمس نکرده است اما حتماً عدم حضور او را لمس خواهد کرد (آغداشلو، ۱۳۸۹: ۱۰۲۴).
۲۱	ارائه احکام قائم به شخص	داستان از بین رفتن آثار مححص توسط خودش بیشتر یک افسانه است تا واقعیت (نظری، ۱۳۸۹).
۲۲	ارائه قضاوت قطعی	آثار مححص به لحاظ بصری و ژانری در جریان هنر ایران هیچ تأثیری ندارد. (همان)

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از جدول مذکور و با اتکا به روش کدگذاری مؤلفه‌ای، تلاش نموده، صورت‌بندی مشخصی از جریان‌های نقد تجسمی ارائه دهد.

### طبقه‌بندی متون نقد هنرهای تجسمی

نوئل کرول در کتاب خود تلاش می‌کند، صورت‌بندی متفاوتی از جریان‌های نقد هنری ارائه دهد. وی نقد ارزیابانه و نقد تفسیری را به‌مثابه دو جریان متقابل در فضای نقد هنری آمریکا در نظر می‌گیرد و بر اساس ویژگی‌های مشخصی، جریان‌های نقد را به دو گروه مذکور تقسیم می‌کند (کرول، ۱۳۹۴: ۱۲). با تعمق در نشریات فارسی‌زبان، می‌توان طبقه‌بندی دوگانه‌ی مشابهی را در فضای نقد تجسمی ایران بازشناخت. ویژگی‌هایی که او برای توصیف جریان نقد تفسیری در آمریکا مورد اشاره قرار می‌دهد تا حد زیادی با مشخصات و مختصات نقد دانشگاهی یا نظریه‌محور در ایران - گروه اول از طبقه‌بندی مقاله حاضر - همخوانی دارد. همچنین توصیف او درباره حامیان ارزیابی در نقد هنری که توصیف و تفسیر صرف و عدم ارائه داور، قضاوت و ارزیابی از اثر هنری را ناکافی می‌دانند، با ویژگی‌های نقدهای منتشرشده در نشریات تخصصی هنرهای تجسمی - گروه دوم از دسته‌بندی مقاله حاضر - تطابق دارد. علاوه بر دو گروه مذکور که با تکیه بر کتاب الکینز طبقه‌بندی نمودیم، برای تکمیل جغرافیای نقد در زمینه هنرهای تجسمی به دو گروه دیگر از نوشته‌ها که در برخی منابع از آن‌ها به‌عنوان «شبیبه به نقد» یاد می‌شود (بابایی‌فلاح، ۱۳۹۵: ۲۸) توجه شد و در نتیجه متون منتشرشده در مطبوعات و نشریات عمومی، تحت عنوان نقد مطبوعاتی هنرهای تجسمی به‌عنوان گروه سوم و نقدهای منتشرشده در رسانه‌های شخصی و غیررسمی مانند صفحات شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به‌عنوان گروه چهارم در نظر گرفته شد. در ادامه توصیفی از چهارچوب کلی این چهار گروه ارائه می‌شود.

### نقد دانشگاهی هنرهای تجسمی

نقد دانشگاهی، اصطلاحی بود که اولین بار سردمداران نقد تفسیری به‌ویژه رولان بارت در دهه ۱۹۶۰م. به آثار منتقدان سنت‌گرا و محافظه‌کار مقابل خود که پیرو «لانسون» بودند، اطلاق می‌کردند (ساجدی، ۱۳۸۶: ۵۰). درحالی‌که در مقاله حاضر نقد دانشگاهی، کاملاً برعکس صورت‌بندی فرانسوی، به طرفداران نقد تفسیری در ایران اطلاق شده است. جریان مورد اشاره ما در ایران، از آن‌جهت دانشگاهی نامیده می‌شود که خاستگاه و نهاد اغلب فعالان این رویکرد از نقد تجسمی، دانشگاه و محل انتشار آثار نقادانه‌شان، غالباً مجلات علمی و نشریات دانشگاهی است. نحوه ارائه نقد نیز در قالب مقالات مفصل بر اساس معیارهای علمی است که معمولاً مبتنی بر نظریه‌های شناخته‌شده و روش‌شناسی علوم انسانی است. بنابراین، می‌توان عنوان نقد نظریه‌محور نیز بر آن نهاد، چراکه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های متمایزکننده این شیوه نقد در ایران، داشتن رویکرد، روشمندی و مبتنی بر نظریه بودن است. در این مقاله از نقدهایی استفاده شده است که در نشریات علمی پژوهشی به چاپ رسیده است. به‌عنوان مثال، مقاله‌ای با عنوان «تحلیل بازنمایی ساحل در اشعار نیما یوشیج و مقایسه آن با آثار بهمن محمص» که توسط زیب صابر و نادر شایگان‌فر در نشریه مطالعات تطبیقی هنر به چاپ رسیده است از نمونه‌های منتخب نقد دانشگاهی و مرتبط با موضوع مقاله است.



روش به‌کاررفته در این مقاله تطبیقی است که بر مبنای مقایسه دو گفتمان شعر و نقاشی و تحلیل و تطبیق درون‌مایه‌های ادبیات موجود در این زمینه استوار است. در این مقاله آرا متفکرانی چون مارشال برمن و شارل بودلر با تکیه بر مفهوم مدرنیته مشهود است.

عناوینی چون نشانه‌شناسی هنر، تحلیل گفتمان، جامعه‌شناسی هنر و غیره که امروزه واژه‌هایی آشنا و پرکاربرد در ادبیات نقد هنری ایران است، در طول یکی دو دهه اخیر از طریق پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی، مجلات علمی-پژوهشی و همایش‌های متعدد بسط و توسعه یافته و به گفتمان غالب در فضای نقد دانشگاهی هنرهای تجسمی تبدیل شده است. در این میان، فرهنگستان هنر با تشکیل گروه‌های تخصصی نظریه‌پردازی و نقد هنر، برگزاری هم‌اندیشی‌ها و نشر کتاب‌ها و مجلات متعدد، تأثیر مضاعفی در بسط گفتمان نظریه‌محور در نقد هنر داشته است. بررسی مقالات منتشرشده در این گروه، نشان می‌دهد قالب مورد استفاده برای اغلب متون انتقادی دانشگاهی، مقالات طولانی و مطابق ساختار پژوهش‌های علمی است. از جهت محتوایی، تحلیل نمونه‌های بررسی‌شده از نشریات دانشگاهی با استفاده از ابزار کدگذاری، ماتریس مفهومی زیر را به دست داده است. در جدول شماره ۳ و ۴ فهرستی از مفاهیم کلیدی پرتکرار و رویکرد و لحن به‌کاررفته در این مقالات صورت‌بندی شده است. با مقوله‌بندی کدهای حاصل از تحلیل محتوا، سه رویکرد کلی برای دستیابی به نقد در نظر گرفته شد: ۱. نقد مبتنی بر تحلیل متنی آثار هنری، ۲. نقد مبتنی بر هنرمند و آفریننده اثر هنری و ۳. نقد مبتنی بر نظریه و روش.

فهرست عبارات و کدهای مربوط به هر یک از سه مقوله فوق نشان می‌دهد که رویکرد سوم، یعنی تلاش برای نقد آثار هنری با اتکا به نظریه‌های فلسفی، اجتماعی و روش‌های علمی مانند نشانه‌شناسی، مورد توجه و استفاده بیشتری برای منتقدان دانشگاهی بوده و اساس تحلیل‌های انتقادی این گروه را تشکیل می‌دهد. در کنار رویکرد مبتنی بر نظریه و روش، تلاش برای کشف معنای اثر هنری از طریق توجه به فرم، سبک، فن و موضوعات آثار هنری در کنار توجه به مفاهیم فرامتنی مانند بسترهای اجتماعی و تاریخی و تحولات یا وقایع سیاسی موردعنايت منتقدان دانشگاهی بوده است. در عین حال، در نقدهای دانشگاهی توجه چندانی به سرنوشت کالبدی آثار هنری و موقعیت فیزیکی آن‌ها، مانند مالکیت آثار، محل و کیفیت نگهداری این آثار، تخریب فیزیکی، سرقت یا مرمت‌های احتمالی و غیره، نشده است و این موضوع دغدغه این گروه از منتقدان نیست. کمترین میزان توجه از طرف ناقدان دانشگاهی مربوط به نقدهای مبتنی بر هنرمند است. نقدهایی که دستیابی به تحلیل نهایی، توجه به جایگاه و شأن اجتماعی هنرمند، فعالیت‌های جانبی او، زندگی شخصی، استادان و شاگردان، میزان تأثیرگذاری بر سایر هنرمندان یا تأثیرپذیری از دیگر هنرمندان را در دستور کار قرار داده‌اند، به ترتیب اهمیت، در این مقوله قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که اشاره به ویژگی‌های شخصیتی و فردی هنرمندان جهت نقد، تقریباً جایی در نقدهای دانشگاهی نداشته است.

علاوه بر موارد فوق، لحن نوشتارهای انتقادی و میزان استفاده از عبارات خاص برای انتقال معنا نیز از در ماتریس مفهومی دیگری ارائه شده است که ویژگی‌های متمایزکننده متون مورد تحلیل محسوب می‌شود. برای ارائه تصویر نسبتاً دقیقی از لحن اتخاذ شده توسط منتقدان، جدول شماره ۴ تدوین گردید که مروری بر این ویژگی‌ها بر اساس بسامد و میزان تکرار این عبارات‌ها است. تفسیر این جدول آشکار می‌سازد که بیشتر نقدهای منتشر شده در مجلات دانشگاهی، عاری از لحن احساسی و عاطفی یا تکیه بر روابط شخصی هستند و در آن‌ها به ندرت از عبارات شاعرانه، صمیمانه، تمجیدآمیز، اغراق شده یا کنایه استفاده شده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تأکید بر خنثی بودن نقد و پرهیز از سوگیری و جانب‌داری را می‌توان از ویژگی‌های نقد دانشگاهی برشمرد. در عین حال، عبارات‌ها و ترکیب‌های دشوار و غامض و اصطلاحات فنی، حضور نسبتاً پررنگی در این نوشته‌ها دارند. همچنین منتقدان دانشگاهی تا حد زیادی از ارائه احکام کلان هنری (که به راحتی قابل اثبات یا رد نیستند) و قضاوت‌های قائم به شخص، پرهیز دارند.

جدول ۳: مقوله‌بندی کدهای نقد دانشگاهی بر اساس رویکرد به نقد

دسته	ردیف	کد	مطالعات تطبیقی هنر	کیمیای هنر	باغ نظر	باغ نظر	مبانی نظری هنرهای تجسمی	جمع کل
۱۸۷	۱	اشاره به موضوع آثار	۱۴	۷	۱۲	۱۲	۵	۵۰
	۲	توصیف اثر هنری	۱۰	۹	۶	۸	۴	۳۷
	۳	بسترهای اجتماعی و تاریخی	۳	۴	۵	۱۵	۱۲	۳۵
	۴	توجه به سبک هنری	۵	۷	۹	۸	۵	۳۴
	۵	تکنیک و فرم	۳	۲	۱۲	۳	۳	۲۳
	۶	سرنوشت و فیزیک آثار	۲	۳	۰	۰	۳	۸
۶۴	۷	شان و جایگاه اجتماعی هنرمند	۶	۲	۱	۳	۱۸	۳۰
	۸	فعالیت‌های جانبی هنرمند	۱	۲	۰	۲	۸	۱۳
	۹	نقد مبتنی بر زندگی شخصی هنرمند	۴	۰	۰	۰	۵	۹
	۱۰	اشاره به استادان و شاگردان	۰	۰	۰	۳	۳	۶
	۱۱	تأثیرگذاری بر و تأثیرپذیری از هنرمندان دیگر	۳	۰	۰	۱	۱	۵
	۱۲	نقد ویژگی‌های شخصیتی هنرمند	۱	۰	۰	۰	۰	۱
۲۲۰	۱۳	ارجاع به نظریه‌ها برای نقد	۲۱	۵۲	۳۷	۲۳	۱۳	۱۴۶
	۱۴	استناد و نقل قول از دیگر منتقدان	۱۶	۹	۸	۲۱	۲۰	۷۴

جدول ۴: مقوله‌بندی کدهای نقد دانشگاهی بر اساس لحن منتقد

دسته	ردیف	کد	مطالعات تطبیقی هنر	کیمیای هنر	باغ نظر	باغ نظر	مبانی نظری هنرهای تجسمی	جمع
	۱	واژه‌ها و عبارات غامض	۱۸	۸	۱۹	۹	۵	۵۹
	۲	ارائه قضاوت قطعی	۳	۷	۵	۰	۰	۱۵
	۳	ارائه احکام قائم به شخص	۱	۰	۲	۰	۳	۶
	۴	عبارات شاعرانه و ادبی	۳	۲	۰	۰	۰	۵
	۵	عبارات تمجید آمیز	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	۶	عبارات دوستانه و صمیمی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	۷	عبارات اغراق آمیز	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	۸	عبارات کنایی	۰	۰	۰	۰	۰	۰

#### نقد تخصصی هنرهای تجسمی

منظور از نقد تخصصی هنرهای تجسمی، نقدهایی است که در نشریات تخصصی این حوزه منتشر می‌شوند. ارزیابی مقالات برای چاپ در نشریات تخصصی، از روش سیستماتیک داوری در مجلات علمی-پژوهشی پیروی نمی‌کند، با این حال، نیاز به تأیید سردبیر یا هیئت تحریریه نشریه دارد. بنابراین، گونه‌ای ممیزی و نظارت بر این مطالب از طرف رسانه، اعمال می‌شود. این‌گونه نشریات تخصصی پیشینه‌ای قابل توجه در فضای مطبوعاتی ایران دارند. مثلاً می‌توان به نشریه‌ی فصلی در هنر وابسته به تالار قندریز در دهه ۱۳۴۰ش. در سال‌های پیش از انقلاب و مجلاتی چون سوره و فصلنامه هنر در دهه ۶۰ش. و نشریه هنرهای تجسمی در دهه ۷۰ش. اشاره کرد. در آن سال‌ها نشریات معتبری چون کلک، آدینه و سخن نیز با آنکه نشریات اختصاصی هنرهای تجسمی نبودند، به ارائه نقدهای تخصصی و تأثیرگذار در این حوزه می‌پرداختند. نقدهای چاپ‌شده در آن نشریات به حدی معتبر بود که هنوز هم برای مطالعه فراز و نشیب‌های هنرهای تجسمی آن دوران جز مهم‌ترین منابع مکتوب به حساب می‌آید (بابایی‌فلاح، ۱۳۹۵: ۲۴).

از اواخر دهه ۷۰ش. جایگاه مطبوعات تخصصی به صورت حرفه‌ای تثبیت شد و چند نشریه تخصصی از جمله ماهنامه گلستانه شروع به انتشار نمودند که بخش مستقلی برای نقد هنرهای تجسمی داشت. بعدها در اوایل دهه ۸۰ش. چند نشریه به صورت اختصاصی در زمینه هنرهای تجسمی، شروع به انتشار منظم و حرفه‌ای<sup>۱</sup> نمودند که به‌طور مشخص فصلنامه حرفه هنرمند و دوهفته‌نامه تدیس حدود دو دهه به صورت پیوسته منتشر شده‌اند. در اواخر دهه ۸۰ش. و در سال‌های اخیر، نشریات تخصصی بیشتری منتشر شدند که از جمله می‌توان به هنر فردا، هنر آگه، نشان، «مکعب هنر، چیدمان، هنر و

۱. منظور از نشریات حرفه‌ای، مجلاتی است که بدون وابستگی به نهادهای دولتی امکان انتشار منظم و استقلال نسبی اقتصادی، با تکیه بر تکفروشی و تبلیغات داشته باشند.

رسانه، پژوهش هنر، پشت‌بام و شبکه آفتاب اشاره کرد (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۴). نتایج حاصل از تحلیل محتوایی و مضمونی جامعه آماری برگزیده از این نقدها در قالب دو ماتریس مفهومی (جدول شماره ۵ و ۶) ارائه شده است. نگاهی به این کدها و مقوله‌بندی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که منتقدان نشریات تخصصی تجسمی توجه بسیار کمتری از گروه اول به نظریه و روش دارند و نقدشان نسبت به آثار هنری با تکیه و استناد مستقیم به تئوری‌های فلسفی یا روش‌های پژوهش علمی نیست. تفسیر این یافته‌ها مؤید این نکته است که «ارزیابی» کلیدی‌ترین واژه و نزدیک‌ترین مفهوم برای توصیف شیوه نقادی این جریان از هنرهای تجسمی است. از این رو، مطابق آنچه از تقسیم‌بندی نوئل کارول اشاره شد، می‌توان نوشته‌های این گروه از منتقدان را با ویژگی‌های نقد ارزیابانه در آمریکا قیاس کرد (کارول، ۱۳۹۸). داوری صریح درباره زیبایی‌شناسی آثار و قضاوت درباره میزان موفقیت هنرمند در خلق و بسط ایده‌های هنرمندانه در کارها و نیز توجه به روند تحولات و مسیر تکوین آثار هر هنرمند و میزان بهره‌گیری و اقتباس هنرمند از دیگران، از ویژگی‌های مهم این‌گونه از نقد تجسمی است. برای تحلیل محتوا در مقاله حاضر از نقدهایی که در فصلنامه حرفه هنرمند و دو هفته‌نامه هنرهای تجسمی تندیس چاپ شده، استفاده شده است. به‌عنوان مثال، در مقاله‌ای با عنوان «محصل هنرمند تکرار» که توسط رویین پاکباز در فصلنامه حرفه هنرمند چاپ گردیده، محل انتشار، نوع مخاطب و نحوه ارائه از اصول اولیه‌ای است که این مقالات را در دسته‌بندی نقدهای تخصصی هنرهای تجسمی گنجانده است و پرداختن به موضوع آثار و سبک هنری با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی و همچنین فعالیت‌های جانبی هنرمند بدون در نظر گرفتن نظریه ارائه شده است. در جدول زیر کدهای برآمده از تحلیل محتوای متن این مقاله با جزئیات بیشتر اشاره شده است.

از میان ۱۴ مفهوم کلیدی که به‌عنوان کدهای این متون استخراج شده، اشاره به فعالیت‌های ضمنی و جانبی در زمینه‌های هنری یا غیر هنری به همراه توجه به ویژگی‌های شخصیتی و زندگی شخصی هنرمند برای ارائه تحلیل و نقادی از هنرمندان، بیشترین سهم را در نقد تخصصی به خود اختصاص داده است. در کنار این موضوع، تأکید بر «موضوع و محتوای آثار هنری» و «زمینه اجتماعی و سیاسی برای خلق اثر هنری» در نوشته‌های این منتقدان از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. این در حالی است که تقریباً هیچ مورد مشخصی از ارجاع و استناد مستقیم و مشخص به نظریات و تئوری‌های فکری و آرای فلسفی جهت نقد، در این متون یافت نشد. همچنین برخلاف انتظار نقش «نظام استاد و شاگردی» و اهمیت «تأثیرگذاری بر دیگران» یا «تأثیرپذیری از سایر هنرمندان»، سهم نسبتاً کم‌رنگی در این نقدها داشته است. همچنین به نظر می‌رسد تحلیل فنی آثار هنری بر اساس تکنیک به کار گرفته شده در آنها، توانایی‌های مهارتی هنرمندان در استفاده از تکنیک‌های مختلف و اهمیت فرم هنری در نقد آثار، اولویت بسیار پایین‌تری در این گروه از نوشته‌ها داشته است.

جدول ۵: مقوله‌بندی کدهای نقد تخصصی بر اساس رویکرد به نقد

دسته	ردیف	کد	تندیس	تندیس	تندیس	تندیس	حرفه هنرمند	حرفه هنرمند	جمع کل
۸۲	۱	اشاره به موضوع آثار	۲	۱	۲	۳	۱۲	۴	۲۴
	۲	بسترهای اجتماعی و تاریخی	۲	۱	۰	۰	۸	۸	۱۹
	۳	توصیف اثر هنری	۰	۰	۳	۱	۹	۲	۱۵
	۴	توجه به سبک هنری	۲	۰	۲	۰	۴	۱	۹
	۵	سرگذشت و فیزیک آثار	۲	۰	۳	۱	۳	۰	۹
	۶	تکنیک و فرم	۰	۰	۱	۰	۱	۴	۶
۱۰۰	۷	فعالیت‌های جانبی هنرمند	۲	۶	۵	۳	۹	۱	۲۶
	۸	نقد ویژگی‌های شخصیتی	۵	۵	۳	۱	۸	۲	۲۴
	۹	شأن و جایگاه اجتماعی هنرمند	۵	۲	۱	۲	۳	۵	۱۸
	۱۰	نقد مبتنی بر زندگی شخصی هنرمند	۵	۲	۲	۴	۱	۳	۱۷
	۱۱	تأثیرگذاری بر و تأثیرپذیری از هنرمندان دیگر	۲	۱	۲	۰	۳	۱	۹
	۱۲	اشاره به استادان و شاگردان	۱	۰	۰	۰	۳	۲	۶
۱۸	۱۳	ارجاع به نظریه‌ها برای نقد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	۱۴	استناد و نقل‌قول از دیگر منتقدان	۰	۰	۵	۱	۹	۳	۱۸

در جدول شماره ۶، خلاصه‌ای از کدها و مقوله‌های نشان‌دهنده لحن و رویکرد نوشتارهای انتقادی در نشریات تخصصی هنرهای تجسمی ارائه شده است. چنانچه در همین جدول قابل‌مشاهده است، به ترتیب استفاده از عبارات و جملات شاعرانه و ادبی برای بیان مقصود نویسنده، بهره‌گیری از عبارات و مفاهیم تمجیدآمیز، دوستانه و صمیمی برای اشاره به هنرمندان مورد نقد، بیشترین رواج را در متون انتقادی این گروه از نویسندگان دارد. برخلاف آنچه پیش از انجام پژوهش به ذهن می‌رسید، استفاده از کلمات و جملات پیچیده، دشوار و غامض و عبارات اغراق‌شده توصیف هنرمندان یا آثار هنری ایشان، سهم زیادی در لحن نوشتارهای این گروه ندارد و حتی صدور احکام کلان، قطعی و قائم به شخص نیز که احتمال می‌رفت در این نشریات حضور پررنگی داشته باشد، بسیار نادر است.

جدول ۶: مقوله‌بندی کدهای نقد تخصصی بر اساس لحن منتقد

دسته	ردیف	کد	تندیس	تندیس	تندیس	تندیس	حرفه هنرمند	حرفه هنرمند	جمع کل
	۱	عبارات شاعرانه و ادبی	۸	۶	۴	۶	۲	۱۲	۳۸
	۲	عبارات تمجید آمیز	۵	۴	۲	۱	۱	۵	۱۸
	۳	عبارات دوستانه و صمیمی	۸	۵	۰	۰	۰	۰	۱۳
	۴	واژه‌ها و عبارات غامض	۰	۱	۰	۰	۵	۲	۸
	۵	ارائه قضاوت قطعی	۰	۰	۰	۰	۲	۵	۷
	۶	عبارات اغراق آمیز	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۲
	۷	ارائه احکام قائم به شخص	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱
	۸	عبارات کنایی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

### نقد مطبوعاتی هنرهای تجسمی

معمولاً به مطالبی که در نشریات عمومی مانند روزنامه‌ها و مجلات غیرتخصصی چاپ می‌شوند از اصطلاح «ژورنالیستی» استفاده می‌شود، اما از آنجاکه در زبان فارسی و در فضای علمی و روشنفکری، معمولاً این اصطلاح بار معنایی منفی دارد و به‌طور ضمنی به سطحی بودن مطالب دلالت می‌کند، در تقسیم‌بندی مقاله حاضر، این گروه از نوشته‌های تجسمی، «نقد مطبوعاتی» نامیده شده است و منظور اشاره به همه نوشتارهای انتقادی هنرهای تجسمی است که در مجلات و نشریات کثیرالانتشار و غیرتخصصی انتشار می‌یابد که قدیمی‌ترین جریان نقد هنرهای تجسمی در ایران نیز محسوب می‌شود. نقد مطبوعاتی الزاماً ویژه نشریه‌های روزانه و کاغذی نیست و ماهنامه‌ها، فصلنامه‌ها و سالنامه‌های با مخاطب عام و نسخه‌های اینترنتی مطبوعات نیز می‌توانند جایگاه نقد مطبوعاتی باشند (نگاهی به جایگاه روزنامه‌های الکترونیک و چاپی، ۱۳۹۴).

نقد مطبوعاتی الزاماً در تقابل با نقد دانشگاهی نیست، اما منتقدان مطبوعاتی معمولاً به زبان فنی و پیچیده نقد حمله کرده و ایده‌های ساده‌تر و قابل‌فهم برای عموم مخاطبان را ترویج می‌کنند. نقد مطبوعاتی بیشتر به‌عنوان راهنمایی برای خوانش اثر به کار می‌آید، اما هرگز به‌عنوان یک منبع تحلیلی به آنان ارجاع داده نمی‌شود مگر در مواردی که موضوع یک پژوهش، بررسی دیدگاه مطبوعاتی درباره آثار یک هنرمند باشد. منتقدی که برای روزنامه‌های کثیرالانتشار می‌نویسد، هنگام نوشتن محدودیت‌هایی به دلیل ناآشنایی عامه مردم با هنرهای جدید دارد، ولی تمام این محدودیت‌ها در مقایسه با دشواری‌هایی که نقد در غیاب پشتوانه آکادمیک دارد اندک است (الکینز، ۱۳۹۸: ۲۵). به نظر می‌رسد نقش ویژه‌ای که نقد مطبوعاتی در جهت اقتصاد هنرهای تجسمی ایفا می‌کند، این جریان را به حامیان خصوصی و دولتی هنر نزدیک‌تر نموده و به همین میزان از فضای روشنفکری نقد هنری دور کرده باشد.

از طرف دیگر، نقد مطبوعاتی دارای ظرفیت هیجانی و تأثیرگذاری بالایی است که گفتمان آکادمیک فاقد آن است و همواره این ویژگی را به حساب ضعف و سطحی‌نگری ژورنالیستی گذاشته است، اما دقیقاً همین انرژی است که امکان آزاد کردن وجه رادیکال و خطرناک متن را فراهم می‌آورد و از همین رو است که در تاریخ نقد هنری در ایران برخی از خلاقانه‌ترین نقدها را در نشریات غیرتخصصی می‌یابیم (شروقی، ۱۳۹۷: ۹) هیجانی، احساساتی، سخیف، سطحی و غیرعلمی برخی از صفات داده‌شده به نقد مطبوعاتی در ایران است، اما اگر از بین این صفات به دو ویژگی «هیجانی» و «احساساتی» توجه کنیم، درمی‌یابیم که نقد مطبوعاتی در ایران اغلب در آن لحظاتی به‌مواجهه خلاقانه با متن دست‌یافته و توانسته نیروهای رادیکال یک متن را آزاد و فقدان این نیروها را در متن دیگری افشا کند که در آن هیجان و احساسات متناسب به نقد مطبوعاتی را به خود راه داده و در مواجهه با اثر به تعبیری عقلانیت و حساسیت را به هم تنیده است (شروقی، ۱۳۹۷: ۹). مدافعان نقد مطبوعاتی، عموماً با تأکید بر وجه انتقادی و ارزیابانه، آن را رادیکال‌ترین نوع نقادی می‌دانند که به هیچ رویکرد از پیش تعیین‌شده‌ای محدود نیست و در کل شمایل متن تخصصی به خود نمی‌گیرد (ایمانیان، ۱۳۹۰: ۱۴).

تا پیش از ظهور شبکه‌های اجتماعی و اهمیت یافتن رسانه‌های شخصی، نقدهای مطبوعاتی نسبت به گونه‌های دیگر نقد از فراوانی بیشتری برخوردار بودند، اما به‌طور متوسط حجم مطالب کوتاه‌تر از نقدهای تخصصی و آکادمیک است. به دلیل مخاطبان عمومی‌تر، این نقدها اغلب به‌مرور ویژگی‌های کلی یک نمایشگاه یا مجموعه آثار می‌پردازد که می‌تواند شکلی پخته و سنجیده داشته یا به شکل یک یادداشت سردستی و خاطره‌نویسی ارائه شود (الکینز، ۲۸: ۱۳۹۸). قوت و ضعف این جریان از نقادی به‌صورت معناداری معطوف و مرتبط با اوج و فرودهای فضای حرفه‌ای مطبوعات در ایران است و در طول تاریخ طولانی خویش (حداقل در قیاس با سایر جریان‌های نقد) گفتمان‌های متفاوتی بر ادبیات این نوع نقد حاکم بوده است.

طی یک دهه اخیر، صفحاتی از روزنامه‌ها به بخش هنرهای تجسمی اختصاص داده شده است. این مقالات با توجه به محل انتشار و نوع مخاطب در دسته‌بندی نقدهای مطبوعاتی هنرهای تجسمی گنجانده شده است. نقدهای برگرفته برای تحلیل محتوا در این مقاله از روزنامه‌های شرق و اعتماد انتخاب شده است. به‌عنوان مثال، نقدی با عنوان «برای پرویزی که خواهد بود» نوشته ناصر فکوهی که در روزنامه شرق، از نمونه‌هایی است که لحن ستایشگر و عبارات تمجیدآمیز که از جمله کلیدی‌ترین کدهای مرتبط با این دسته از نقدها است. عدم وجود دستگاه‌های تئوریک، توجه به جایگاه اجتماعی و زندگی شخصی هنرمند، عدم تمرکز بر یک عنصر خاص در اثر هنری، اصرار بر ارزیابی در مورد کیفیت آثار هنری و تأکید بر بسترهای تاریخی و اجتماعی برای نقد را می‌توان جزو ویژگی‌های بارز این شیوه از نقد هنری دانست. نتایج حاصل از مقوله‌بندی کدها نشان می‌دهد که بی‌اعتنایی به نظریه‌های فلسفی و روش‌های علمی در این گروه از نوشته‌ها، مهم‌ترین عنصر مشخص متمایزکننده این گروه از نقدها است و روش غالب -با اختلاف جزئی- بهره‌گیری از نقد هنرمندمحور و نقد اثرمحور به میزان برابر است که جزئیات آن در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول ۷: مقوله‌بندی کدهای نقد مطبوعاتی بر اساس رویکرد به‌نقد

دسته	ردیف	کد	روزنامه شرق			روزنامه اعتماد		جمع کل
			شرق	شرق	شرق	اعتماد	جمع	
۵۱	۱	بسترهای اجتماعی و تاریخی	۱	۳	۲	۳	۰	۱۳
	۲	اشاره به موضوع آثار	۲	۱	۱	۴	۰	۱۱
	۳	تکنیک و فرم	۱	۲	۲	۳	۰	۹
	۴	سبک هنری	۱	۱	۳	۲	۰	۸
	۵	توصیف اثر هنری	۲	۰	۱	۲	۲	۷
	۶	سرگذشت و فیزیک آثار	۲	۰	۰	۱	۰	۳
۵۷	۷	شان و جایگاه اجتماعی	۶	۱	۴	۲	۲	۲۰
	۸	نقد ویژگی‌های شخصی هنرمند	۷	۳	۱	۰	۰	۱۵
	۹	فعالیت‌های جانبی هنرمند	۴	۰	۰	۱	۰	۷
	۱۰	تأثیرگذاری بر و تأثیرپذیری از هنرمندان دیگر	۳	۲	۱	۰	۰	۷
	۱۱	توجه به زندگی شخصی هنرمند	۲	۲	۱	۱	۰	۶
	۱۲	اشاره به استادان و شاگردان	۱	۰	۰	۰	۰	۲
۶	۱۳	استناد و نقل قول از دیگر منتقدان	۰	۰	۲	۱	۱	۶
	۱۴	ارجاع به نظریه‌ها برای نقد	۰	۰	۰	۰	۰	۰

تحلیل محتوای نمونه‌های مطالعه شده در این پژوهش نظر الکینز، پژوهشگر آمریکایی، را تأیید می‌کند که نقد مطبوعاتی عمدتاً در چهارچوب دوگانه ستایشگر-نکوهشگر قابل طبقه‌بندی است (الکینز، ۱۳۹۸: ۲۳-۲۴). مقوله‌بندی ارائه‌شده در جدول شماره ۸ آشکار می‌کند که استفاده از «عبارات تمجیدآمیز» در این نقدها به طرز معناداری، از بیشترین فراوانی برخوردار است. همچنین، عبارات دوستانه، صمیمی و غیررسمی، بخش مهمی از لحن حاکم بر ادبیات این گروه از منتقدان را شکل داده است. همچنین، می‌توان نتیجه گرفت که لحن این نوشته‌ها کمابیش ادبی و شاعرانه است و چنانچه انتظار می‌رفت، نوشته‌های مطبوعاتی بسیار کمتر دیگرگونه‌ها از واژگان غامض و عبارتهای مبهم و کنایی بهره گرفته‌اند.

جدول ۸: مقوله‌بندی کدهای نقد مطبوعاتی بر اساس لحن منتقد

دسته	ردیف	کد	روزنامه شرق	روزنامه شرق	روزنامه شرق	اعتماد	روزنامه شرق	روزنامه شرق	جمع
	۱	عبارات تمجید آمیز	۶	۳	۱	۲	۱	۱	۱۴
	۲	عبارات دوستانه و صمیمی	۰	۶	۰	۰	۰	۰	۱۱
	۳	ارائه احکام قائم به شخص	۵	۱	۵	۲	۰	۳	۱۰
	۴	عبارات شاعرانه و ادبی	۱	۱	۰	۰	۰	۶	۸
	۵	ارائه قضاوت قطعی	۲	۱	۱	۰	۰	۰	۴
	۶	عبارات اغراق آمیز	۱	۰	۲	۰	۰	۱	۴
	۷	واژه‌ها و عبارات غامض	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۳
	۸	عبارات کنایی	۰	۰	۱	۰	۰	۲	۳

### نقد در فضای مجازی

به نظر می‌رسد، این جریان نقد، تاکنون با بی‌توجهی و بی‌اعتنایی جامعه دانشگاهی مواجه و در پژوهش‌های علمی، جدی گرفته نشده و در صورت توجه، بیشتر با رویکردی آسیب‌شناختی مورد اشاره قرار می‌گیرد، نه به‌مثابه یکی از رویکردهای نقد هنری، اما بانفوذ غیرقابل اجتناب فضای مجازی در جهان معاصر، اهمیت و تأثیرگذاری این جریان نقد نیز به‌سرعت رو به فزونی است. این جریان نقد، از جهت شکل و محتوا، ادبیات و لحن، نحوه ارائه، صراحت بیان، مقاومت در برابر ممیزی و سانسور و تکثر آراء، ویژگی‌ها و خصوصیات منحصربه‌فردی دارد که آن را از همه جهات از سه جریان پیش‌گفته متمایز می‌کند. این رویکرد به‌شدت وابسته به رسانه و گفتمان حاکم بر فضای مجازی است. به‌عبارت‌دیگر، با ظهور رسانه‌های جدید، شیوه نقد اختصاصی و انحصاری این رسانه‌ها نیز به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های مجازی بر ساخته شده است.

بااهمیت روزافزون فضای مجازی، بسترهای ارائه نقد درباره آثار هنری و نمایشگاه‌ها افزایش پیدا کرده و نوشتن نقد در این بستر، هم توسط منتقدان متخصص و هم توسط افراد غیرمتخصص صورت می‌گیرد. این نقدها عموماً در رسانه‌های شخصی افراد مانند وبلاگ‌ها و صفحات شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام یا رسانه‌های غیررسمی مانند مجلات اینترنتی به‌صورت یادداشت‌هایی کوتاه ارائه می‌شود (الکینز، ۱۳۹۸: ۲۱).



یکی از ویژگی‌های نقد در فضای مجازی، سرعت بسیار بالای انتقال و درعین‌حال عدم پایداری آن‌ها است. به این معنی که در این فضا یک نوشته نقادانه می‌تواند به سرعتی بسیار بیشتر از سایر اشکال نقد، «ترند» شود، ولی با بسته شدن یک صفحه یا ایجاد «پست»‌های جدید، متن موردنظر از بین رفته یا به شکل ملموسی از معرض دید خارج شود. ویژگی‌های فضای مجازی موجب شده برخی از منتقدان که نقدهایشان را تا پیش از این در مجلات و روزنامه‌ها منتشر می‌کردند و گاه با محدودیت‌هایی مواجه بودند، نظراتشان را از طریق فضای مجازی به‌عنوان شخصیت حقیقی منتشر کنند. از نظر هادی بابایی‌فلاح نقدهای فراگیر و مردم‌پسند هنر تجسمی بیش از گونه‌های دیگر نقد رواج دارد که «درواقع همان آراء و نظرهایی است که مردم [عادی] بعد از دیدن یک اثر هنری ابراز می‌کنند» (بابایی‌فلاح، ۱۳۹۵: ۴۱).

تحلیل محتوای نمونه‌های مطالعه شده در این پژوهش، ماتریس مفهومی زیر را به دست داده است که در جدول شماره ۹ صورت‌بندی شده است. این فهرست مقوله‌ها نشان می‌دهد که مطابق انتظار، شباهت بسیاری میان نقد در فضای مجازی با نقد مطبوعاتی وجود دارد. به‌عنوان مثال، مهم‌ترین رویکرد متون فضای مجازی، همچون نقد مطبوعاتی تأکید بر شأن و جایگاه اجتماعی هنرمندان و رویدادهای زندگی‌نامه‌ای است. در مرتبه بعدی، توجه به موضوع آثار هنری و بررسی میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هنرمندان از یکدیگر دارای اهمیت بوده است. از طرف دیگر، تحلیل‌های سبک‌شناختی و بهره‌گیری از نظریه‌ها و روش‌های علوم انسانی برای نقد آثار هنری کمترین جایگاه را در این گروه از نوشته‌ها به خود اختصاص داده است.

جدول ۹: مقوله‌بندی کدهای نقد مجازی بر اساس رویکرد به نقد هنر

دسته	ردیف	کد	هنر آنلاین	Iranian-artist-art	Circle-magazine	مجله هنرهای تجسمی آوام	آراد مگ	مجله هنرهای تجسمی آوام	متن و تصویر	متن و تصویر	جمع	جمع کل
۴۲	۱	اشاره به موضوع آثار	۲	۳	۰	۲	۱	۱	۲	۱	۱۲	۴۲
	۲	توصیف اثر هنری	۱	۲	۱	۱	۱	۰	۳	۲	۱۱	
	۳	بسترهای اجتماعی و تاریخی	۴	۰	۲	۰	۱	۰	۰	۰	۷	
	۴	تکنیک و فرم	۰	۱	۰	۲	۰	۰	۱	۰	۶	
	۵	سرنوشت و فیزیک آثار	۰	۱	۰	۰	۲	۱	۰	۰	۴	
	۶	توجه به سبک هنری	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	
۶۱	۷	نقد مبتنی بر زندگی شخصی هنرمند	۳	۱	۰	۳	۶	۱	۲	۱	۱۸	۶۱
	۸	شأن و جایگاه اجتماعی هنرمند	۵	۲	۲	۱	۶	۲	۰	۰	۱۸	
	۹	تأثیرگذاری بر هنرمندان دیگر	۱	۰	۳	۱	۱	۳	۰	۰	۹	
	۱۰	فعالیت‌های جانبی هنرمند	۱	۱	۰	۳	۰	۰	۰	۰	۶	
	۱۱	نقد ویژگی‌های شخصیتی هنرمند	۱	۰	۰	۲	۲	۰	۲	۰	۷	
	۱۲	اشاره به استادان و شاگردان	۰	۰	۰	۱	۲	۰	۰	۰	۳	
	۱۳	استناد و نقل قول از دیگر منتقدان	۲	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۴	
۴	۱۴	ارجاع به نظریه‌ها برای نقد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴

همانند سه گروه پیشین، جدول شماره ۱۰ تصویری از لحن و ادبیات حاکم بر مطالب منتشرشده در فضای مجازی ارائه می‌دهد. نتایج حاصل از کدگذاری و مقوله‌بندی این گروه از نوشته‌ها نشان می‌دهد ارائه احکام قائم به شخص و استفاده از عبارتهای کنایی، به شکل معناداری بیشتر از دیگر مفاهیم تکرار شده و ادبیات حاکم بر این گروه را شکل داده است. به دلیل فقدان فرایند داوری یا ممیزی نشریات دانشگاهی و تخصصی و عدم الزام به

رعایت چهارچوب‌های یک رسانه رسمی، قضاوت‌ها و تحلیل‌های ارائه‌شده در این بستر، اغلب فاقد استناد به نظریه‌ها و بدون تکیه بر استدلال‌های زیبایی‌شناختی ارائه می‌شود. به عبارت دیگر، اغلب منتقدان رسانه‌های غیررسمی، خود را ملزم به ارائه تحلیل‌های فنی و دلایل منطقی نمی‌دانند و به دلیل فضای حاکم بر شبکه‌های اجتماعی، متن‌های عمیق و نظریه‌های علمی و فلسفی طولانی جایی در این فضا ندارند و به جای آن اظهارنظرهای متکی به فرد و استفاده از عبارت‌های شاعرانه، حضور پررنگ‌تری دارد.

جدول ۱۰: مقوله‌بندی کدهای نقد مجازی بر اساس لحن منتقد

دسته ردیف	کد	هنر آنلاین	Iranian-artist-art	Circle-magazine	مجله هنرهای تجسمی اوام	آراد مگ	مجله هنرهای تجسمی اوام	متن و تصویر	متن و تصویر	جمع
۱	عبارات کنایی	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۷
۲	ارائه احکام قائم به شخص	۰	۰	۰	۱	۳	۲	۰	۰	۶
۳	عبارات شاعرانه و ادبی	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۵
۴	واژه‌ها و عبارات غامض	۰	۰	۰	۲	۱	۰	۱	۱	۵
۵	عبارات دوستانه و صمیمی	۳	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۴
۶	عبارات تمجید آمیز	۲	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۳
۷	عبارات اغراق آمیز	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۲
۸	ارائه قضاوت قطعی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در تحلیل‌ها و جداول پیشین مورد اشاره قرار گرفت، می‌توان صورت‌بندی نقد هنرهای تجسمی در دهه ۱۳۹۰ ش. در ایران را بر اساس چهار محور مشخص، ارائه نمود. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، رسانه و محل انتشار متون انتقادی، رابطه معناداری با ویژگی‌ها و مؤلفه‌های متون نقد (مانند ادبیات، لحن، فرم و ساختار این متون) دارد. ویژگی‌های مذکور به صورت تفصیلی در تحلیل مربوط به هر یک از دسته‌بندی‌ها در قالب جداول و توضیحات ارائه شد. در اینجا به صورت خلاصه، ویژگی‌های اصلی هر یک از چهار گروه مذکور مورد اشاره و مقایسه قرار می‌گیرد. بر اساس تحلیل خط به خط نمونه‌های مورد مطالعه و کدگذاری و تحلیل محتوای آن‌ها و نیز بر اساس شمارش بسامد تکرار برخی مفاهیم، عبارت‌ها یا روش‌ها، نتایج زیر درباره هر یک از چهار دسته مورد بررسی در این مقاله حاصل شده است.

نقد دانشگاه: شاخص‌ترین ویژگی متمایزکننده نقد دانشگاهی را می‌توان تکیه مستقیم و آشکار آن بر «نظریه‌ها» و الزام به داشتن «روش علمی» برای تحلیل‌های ارائه‌شده دانست، به نحوی که به سختی می‌توان مقاله‌ای در نشریات دانشگاهی یافت که در عنوان یا مقدمه آن روش و نظریه مورد استفاده صراحتاً مورد اشاره قرار نگرفته باشد. همان‌طور که انتظار می‌رفت، متن‌های دانشگاهی برای ارائه تحلیل نهایی، ارجاع اندکی به زندگی‌نامه یا خصوصیات فردی هنرمندان داشته‌اند. از جهت سبک نوشتار نیز این

متون تقریباً فاقد هرگونه عبارت احساسی، شخصی یا اغراق آمیز بوده است. شاید به دلیل همین لحن خنثی و غیرشخص محور در نشریات دانشگاهی، نوشته‌های انتقادی درباره نقاشان شاخص و هنرمندان معاصر ایران کمتر تألیف شده است.

نقد تخصصی: با توجه به اینکه مخاطب نشریات تخصصی هنرهای تجسمی، جامعه هنری است، انتظار می‌رفت که نقدهای این گروه، بیشتر مبتنی بر تحلیل فنی (بررسی فرم، زیبایی‌شناسی و سبک‌شناسی) آثار باشد، درحالی‌که چنین نیست، یعنی تعداد نسبتاً اندکی از نوشته‌های انتقادی در این گروه روش فنی برای تحلیل و نقد هنری را برگزیده‌اند. در خلأ نقدهای فنی، نوشته‌هایی با تمرکز بر اصالت هنرمند (دیدگاه‌ها و زندگی‌نامه)، بخش قابل توجهی از متون این گروه را به خود اختصاص داده است و از این جهت، رویکرد غالب محسوب می‌شود. در نقد تخصصی با توجه به مقوله‌بندی‌های صورت گرفته و ماتریس مفهومی ارائه شده، با وجود انتظار، مشاهده شد که منتقدان نشریات تخصصی تجسمی، توجه بسیار کمی به نظریه و روش داشته‌اند. به این معنا که نقدهای درباره آثار هنری تکیه و استناد بسیار کمی به تئوری‌های علوم انسانی یا روش‌های پژوهش علمی دارد. با توجه به اینکه نشریات مطرح حوزه هنرهای تجسمی پیوندهای زیادی با فارغ‌التحصیلان و پژوهشگران دانشگاهی دارد، تصور بر این بود که استفاده از روش‌های استدلال علمی و بهره‌برداری آشکار از نظریه‌های علوم انسانی جایگاه بهتری در این مقوله‌بندی داشته باشد، اما بها دادن به هنرمند و اثر هنری موجب کم‌رنگ شدن این رویکرد در این دسته شده است.

نقد مطبوعاتی: نتایج حاصل از کدگذاری‌ها و تحلیل محتوا نشان می‌دهد که نقدهای تخصصی و مطبوعاتی (ژورنالیستی) شباهت بسیار زیادی از جهت سبک نوشتار و نیز رویکرد محتوایی در میان صورت‌بندی چهارگانه مقاله را دارند. در نقدهای مطبوعاتی توجه منتقد به اثر هنری و هنرمند تقریباً به میزان یکسانی بوده است و اختلاف معناداری میان این دو مقوله قابل مشاهده نیست. با توجه به موضوع پژوهش و نمونه‌های گردآوری شده، منتقدان این حوزه به میزان برابری اشاره به بسترهای تاریخی و اجتماعی و جایگاه و شأن اجتماعی هنرمند را مدنظر داشته‌اند که باعث ایجاد یک رابطه متقابل میان این دو مقوله گشته است. همچنین استناد به نظریه‌های علوم انسانی و روش‌های علمی کمترین جایگاه را در میان این دست از نقدها داشته است که با توجه به بسترهای رسانه‌ای و مخاطبان عام‌تر، این نتیجه قابل انتظار بوده است. نقد در فضای مجازی: نوشته‌های منتشرشده در فضای مجازی بیشترین اهمیت را برای «دیدگاه‌ها و زندگی‌نامه هنرمند» قائل بوده‌اند. بدین ترتیب می‌توان توجه به جایگاه، شخصیت و سلايق فردی هنرمند را مهم‌ترین نقطه اشتراک و رویکرد مشترک میان سه دسته نقد تخصصی، نقد مطبوعاتی و نقد در فضای مجازی دانست، اما لازم به توضیح است که در دو گروه پیشین، شأن و جایگاه اجتماعی هنرمند مورد توجه منتقدان بوده، درحالی‌که در نقدهای مجازی، تأکید عمده بر نقد ویژگی‌های شخصی و شخصیتی هنرمند است. همچنان که انتظار می‌رفت، نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد، فضای نقد مجازی، کمترین میزان بهره‌مندی از نظریه و روش را داشته است.

## فهرست منابع

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله. (۱۳۸۷). شیوه‌های مختلف نقد هنری. تهران: سوره مهر.
- احمدی، احمدرضا. (۱۳۸۹). «دریایی بی‌انتهاست که پایان ندارد». روزنامه شرق. (شماره ۱۰۲۷)، ۲۰.
- آغداشلو، آیدین. (۱۳۸۹). «همیشه جدی و بسیار تنها». روزنامه شرق. (شماره ۱۰۲۴)، ۲۰.
- الکینز، جیمز. (۱۳۹۸). بر سر نقد هنری چه آمد؟ ج ۱. ترجمه مهسا فرهادی‌کیا. تهران: حرفه نویسندگان.
- بابایی‌فلاح، هادی. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی کیفی و محتوایی نقدها پیرامون نمایشگاه‌های مربوط به هنرهای تجسمی در نشریات تخصصی و نیمه تخصصی ایران در سال ۱۳۹۳. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر، ارتباطات.
- براتی، پرویز. (۱۳۹۱). «غافل نبوده‌ام از زمانه خود». روزنامه شرق. (شماره ۱۵۴۱)، ۹.
- باغبان، سجاد. (۱۳۹۴). «نقد تجسمی در ایران؛ درآمدی بر جغرافیای نقد تجسمی». هنرهای تجسمی تندیس. (شماره ۳۱۳)، ۹.
- پاکباز، رویین. (۱۳۹۴). «محصص: هنرمند تکر». حرفه هنرمند. (شماره ۵۴)، ۸۹.
- حامدی، محمدحسن. (۱۳۹۱). «یک نام و سه خیال- برای پرویز کلاتری». هنرهای تجسمی تندیس. (شماره ۲۲۱)، ۱۳.
- خورشیدیان، رائیکا، و حیدر زاهدی. (۱۳۹۵). «مکتب سقاخانه: نگاهی پسااستعماری یا شرق‌شناسانسانه؟». باغ نظر. (شماره ۵۳)، ۵۲-۴۱.
- دبیری، بهرام. (۱۳۸۷). «وهم سبز آب دریاها». هنرهای تجسمی تندیس. (شماره ۱۲۶)، ۱۲.
- دهباشی، علی. (۱۳۸۷). «محصص و دوران معاصر». هنرهای تجسمی تندیس. (شماره ۱۲۶)، ۱۲.
- دارابی، هلیا. (۱۳۹۴). «رویکردها و الگوها در نقد هنر بصری: پژوهشی در فرآیند آموزشی». پایان‌نامه دکتری. دانشگاه هنر تهران، دانشکده هنرهای کاربردی.
- دارابی، هلیا. (۱۳۹۴). «معرفی الگوهایی برای آموزش دانشگاهی نقد هنر تجسمی». مطالعات تطبیقی هنر. (شماره ۱۰)، ۵۰-۳۵.
- رستمی، افسانه. (۱۳۹۴). «نفی و سکوت به جای نقد گفت‌وگومند با مروری بر محتوای نقد در نشریات تخصصی هنر». هنرهای تجسمی تندیس. (شماره ۳۱۳)، ۱۴.
- روان‌جو، احمد، و محمد صمدی‌راد. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر پیدایش نفت بر نقاشان نوگرای ایران (۱۳۱۹-۱۳۵۹)». مبانی نظری هنرهای تجسمی. (شماره ۵)، ۴۹-۳۳.
- رهبرنیا، زهرا؛ کشمیری، مریم. (۱۳۹۶). «خوانشی پسامدرنی آثار هنری بر اساس آرای فردریک جیمسون با تمرکز بر مجموعه هیچ پرویز تناولی (دهه‌های ۱۳۴۰-۱۳۸۰ش)». کیمیای هنر. (شماره ۲۳)، ۹۸-۸۵.
- ساجدی، طهمورث. (۱۳۸۶). «رولان بارت و سیر تحول نقد نو در فرانسه». مجموعه مقالات هم‌اندیشی‌های بارت و دریدا. به‌کوشش امیرعلی نجومیان. تهران: فرهنگستان هنر، ۶۴-۴۷.
- سالدانا، جانی. (۱۳۹۵). راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی. ترجمه عبدالله گیویان. تهران: علمی و فرهنگی.
- شروقی، علی. (۱۳۹۷). «جنون نقد در دفاع از نقد ژورنالیستی با نگاهی به کتاب سینه فیلیا و تاریخ». روزنامه شرق. (شماره ۳۱۳۰)، ۹.

صابر، زینب، و نادر شایگان‌فر. (۱۳۹۴). «تجلیل بازنمایی ساحل در اشعار نیما یوشیج و مقایسه آن با آثار بهمن محمصص». مطالعات تطبیقی هنر. (شماره ۹)، ۱۰۳-۹۵.

فکوهی، ناصر. (۱۳۹۵). «برای پرویزی که خواهد بود». روزنامه شرق. (شماره ۹۳۵۰۰).

قره‌باغی، علی‌اصغر (۱۳۹۱). هنر نقد هنری. تهران: سوره مهر.

کارول، نوئل. (۱۳۹۸). درباره نقد. ترجمه صالح طباطبایی، تهران: نشر نی.

گنجی، حسین. (۱۳۹۹). «پزشک‌نیا، آموزگار بی شاگرد». روزنامه شرق. (شماره ۳۷۷۶)، ۶.

ماهر، حسین. (۱۳۸۸). «باور مشترک». هنرهای تجسمی تندیس. (شماره ۱۷۰)، ۷.

منتظمی، مراد. (۱۳۹۴). «بهمن محمصص در موج سیاه تاریخ». حرفه هنرمند. (شماره ۵۴)، ۹۷.

نظری، شهروز. (۱۳۹۸). «بهمن محمصص که بود». مجله اینترنتی آراد مگ.

نوروزی‌طلب، علیرضا. (۱۳۸۹). «جستاری در شکل‌شناسی اثر هنری و دریافت معنا». باغ نظر. (شماره ۱۴)، ۷۰-۸۴.

روزنامه اعتماد. (شماره ۴۳۱۵۹)، (۱۳۹۵/۰۲/۲۱) [www.etemadnewspaper.ir/fa/main/print/43159](http://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/print/43159)

«هوشنگ پزشک‌نیا، نقاش چهره‌ها و اقلیم مردم». (۱۳۹۸/۰۵/۰۵). مجله هنرهای تجسمی آوام [/https://avammag.com/70671](https://avammag.com/70671)

رضانی، جاوید. «پرویز تناولی در میان دو جهان». (۱۳۹۸/۰۱/۰۲)، آوام مگ. [/https://avammag.com/67351](https://avammag.com/67351)

پزشک‌نیا آغازکننده نقاشی خط/ هنرمندی که شبیه به مودلیانی بود. هنر آنلاین. (۱۳۹۱/۰۸/۲۴)، [www.honaronline.ir](http://www.honaronline.ir)

بهپور، باوند. «بهمن محمصص». خرداد ۹۳. متن و تصویر. <https://reviews.behpoor.com>

جعفرپور، زهرا. «بهمن محمصص». اسفند ۹۲. متن و تصویر. <https://reviews.behpoor.com>

منوچهر یکتایی هنرمندی که صادقانه ایرانی بود. مجله هنرهای تجسمی آوام، (۱۳۹۸/۰۸/۲۹). [/https://avammag.com/73134](https://avammag.com/73134)

Instagarm: Iranian\_artist\_art

Instagarm: circle\_magazine